

آبادوباره جنگ می‌شود؟

روزنامه همشهری در شماره دیروز خود نوشت: در جنگ گذشته، صهیونیست‌ها گمان کردند با زدن نمادهای علمی و نظامی ما، کشور از درون فرومی‌پاشد، حال آنکه محاسبه‌شان غلط بود. خون شهید نه تنها شکاف نیاورد که ملت را چون فولاد یکدست‌تر ساخت. حمله‌ها به جای آشوب، انسجام آفرید. امروز تل آویو به‌تجربه فهمیده که تکرار آن سیاست شکست‌خورده است: زیربار موشک‌های ایران له شد، هزینه انسانی و زیرساختی داد، در دنیای آبرو و تحقیر شد، اعتمادبه‌نفس مقاومت بیشتر شد و درنهایت زبون و با دست خالی بر گشت. پس اگر روزی دوباره به فکر حمله بیفتد، مسیر را معکوس می‌کند: اول آشوب اجتماعی، بعد حمله نظامی. حالا اینجاست که باید پرسید چه کسانی ناخواسته یا آگاهانه این بستر را در داخل آماده می‌کنند؟ هر پیمایی که بوی ضعف بدهد و دل مردم را بلرزاند، ذخری است در دست دشمن، فرقی هم نمی‌کند سخنان یک مسئول باشد یا بیانیه‌هایی شبیه مواضع اخیر جبهه اصلاحات. پیمایی که موجب خالی شدن دل مردم شود و احساس ضعف و بی‌پناهی منتقل کند، بستر حاکمیت‌اشرار و آشوب را آماده می‌سازد:هر شایعه و محتوای بی‌بند که به تحقیر نظام سیاسی بینجامد، دیواری از بی‌اعتمادی می‌سازد.هر اظهارنظر یا تصمیمی که دوقطبی‌سازی و چنددستگی ایجاد کند، اختلاف را عمیق می‌سازد.
چه جمله نسنجیده می‌تواند آتش کدند شدن جریان مقابل را برانگیزد و آتش اختلاف را شعله‌ور کند؟اختلاف علنی میان مسئولان و دستگاه‌ها نیز پیام آشفتگی سیاسی می‌دهد. وقتی به جای پرداختن به مسائل اصلی، موضوعاتی مثل عدم کفایت رئیس جمهور بر چرسته شود، نتیجه‌اش تزلزل حکمرانی و پورنگ‌تر شدن سایه جنگ است. پس سایه جنگ امروز نه‌از آسمان اسرائیل، بلکه از زبان و رفتار کسانی برمی‌خیزد که ناخواسته یا عامدانه تر،س دودستگی و بی‌اعتمادی می‌سازند و مقدمه آشوب و به‌هر یختگی اجتماعی فراهم می‌کنند.

شکاف در خانه‌اصلاحات

روزنامه صبح‌نو در یادداشتی به بیانیه اخیر جبهه اصلاحات پرداخت و نوشت: این متن که به ظاهر نقشه راهی برای بازگشت اعتماد عمومی و گشایش در روابط خارجی ترسیم می‌کند، بیش از آنکه اجماعی در پی داشته باشد، شکاف‌های درونی اصلاح‌طلبان را آشکار ساخت.
اصلاحات در دهه‌های گذشته هر بار با طرح بسیاری از این مفاهیم برای کسب قدرت تلاش کرده و به دفعات پیروز هم بوده است، اما تکرار این مفاهیم و افزودن موضوعات جدید به آن در یک سالگی دولت‌اصلاح‌طلب مسئله اصلی، فاصله گرفتن بخشی از بدنه اجتماعی اصلاحات از چنین رویکردهایی است.
افکار عمومی – به‌ویژه نسل جوان – هر چند به تعبیر اصلاحات از انسداد سیاسی و مشکلات اقتصادی ناراضی‌اند، اما در موضوعاتی چون امنیت ملی و استقلال حساسیت ویژه دارند. تأکید بر «تعلیق غنی‌سازی» و «فشارت گسترده» در این فضا نه به‌عنوان تدبیر، بلکه به‌منزله کوتاه آمدن از منافع ملی در کم می‌شود، برداشتی که می‌تواند سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان را بیش از گذشته تضعیف کند.
در عرصه بین‌المللی نیز انتشار این متن ممکن است پیام خطایی به طرف‌های خارجی مخابره کند، گویند در ایران جریانی مؤثر آماده عقب‌نشینی در برابر فشارهاست، چنین برداشتی می‌تواند زمینه‌ساز فشارهای جدید و خواسته‌های فزاینده شود.
آنکه تضمینی برای رفع واقعی تحریم‌ها در کار باشد. اصلاح‌طلبان اگر به‌دنبال احیای اعتماد عمومی هستند، باید فاصله خود را با رویکردهای رادیکال و تسلیم‌گرایانه روشن کنند و به جای ارائه آرزوها، احکام‌های عملی و واقع‌بینانه عرضه کنند.

آهنگ ترمیم و نغمه‌ای برای آینده

روزنامه رسالت در یادداشتی بیان اینکه در تاریخ ملت‌ها، جنگ‌ها و تنش‌ها همواره نقاط عطفی بوده‌اند، لحظاتی که می‌توانند یا به فروپاشی و عقب‌نشینی منجر شوند یا نقطه آغاز جهشی تازه باشند. نوشت: امروز ایران در شرایطی قرار گرفته که پس از گذر از میدان‌های پر تنش منطقه‌ای و بین‌المللی، نیازمند نواختن آهنگی تازه است، آهنگ ترمیم، تثبیت و تقویت. این نغمه باید هم گوش‌نخبگان را بنوازد تا در مسیر آینده به جای تردید و تعلل، تصمیم‌های جسورانه و خلاقانه بگیرند و هم قلب مردم را مطمئن سازد که فردای این سرزمین، روشن‌تر از دیروز خواهد بود. ترمیم، تنها بازسازی خرابی‌ها نیست. ترمیم یعنی بازگرداندن اعتماد عمومی، احیای سرمایه اجتماعی و ترمیم شکاف‌های کوچک و بزرگی که در نتیجه فشارهای بی‌رونی یا سوءمدیریت‌های داخلی پدید آمده است. تثبیت نیز صرفاً به معنای کنترل نوسانات اقتصادی یا مهار التهاب‌های اجتماعی نیست، بلکه ایجاد اطمینان پایدار در ذهن مردم است که کشتی کشور بر موج‌های متلاطم ایستاده و با سکنداری هوشمندانه، مسیر را پیدا کرده‌است و تقویت، گام بلندتر و مهم‌تر است، حرکت به سوی ارتقای ظرفیت‌های ملی، از علم و فناوری گرفته تا اقتصاد و فرهنگ تا جایی که کشور نه‌تنها خود را باز یابد، بلکه به‌الگویی برای منطقه بدل شود. این مسیر، البته تنها با اراده دولت یا توان نظامی محقق نمی‌شود. نخبگان دانشگاهی، فعالان اقتصادی، کارآفرینان، رسانه‌ها و حتی گروه‌های کوچک مردمی باید همگی این «آهنگ خوش» را بشنوند و در نواختن آن مشارکت کنند. جامعه‌ای که پس از جنگ و تنش، توان بازآرایی منابع انسانی و مادی خود را به نمایش می‌گذارد، در واقع سرمایه‌ای عظیم را به رخ جهان می‌کشد، سرمایه «امید ملی». این امید اگر به‌باور عمومی بدل شود، از بزرگ‌ترین زیرساخت‌های بازسازی خواهد بود.



پدیده اسارت، در تاریخ معاصر، نه صرفاً یک واقعیت نظامی یا نتیجه درگیری‌های مسلحانه، بلکه عرصه‌ای برای آزمون مرزهای انسانیت، هویت و مقاومت است. روایت‌های اسرا– چنه به‌صورت شهادت‌های زنده‌مانده‌ها، چه گزارش‌های رسانه‌ای و چه پژوهش‌های دانشگاهی – همواره با تنش میان «واقعیت میدان» و «بازنمایی عمومی» درگیر بوده‌اند. این متن با نگاهی میان‌رشته‌ای می‌کوشد جایگاه این روایت‌ها را در بستر تاریخی و فرهنگی تحلیل کند و نشان دهد چگونه تجربه اسارت، به‌جای شکستن اراده، گاه به تقویت آن انجامیده‌است. در این پژوهش، ابتدا به مرور گوتاهی پر مهم‌ترین نمونه‌های تاریخی پرداخته می‌شود: از نبرد صفین و اسیران آن تا تجربیات جنگ ویتنام و جنگ الجزایر، سپس به چگونگی بازنمایی اسارت در رسانه‌ها پرداخته و نقش این روایت‌ها در شکل‌دهی افکار عمومی بررسی می‌شود، پس از آن، به ابزارها و روش‌های پژوهشی مورد استفاده برای تحلیل این پدیده اشاره و در نهایت، از طریق مقایسه تطبیقی، سعی می‌کنیم الگوهای مشترک و تفاوت‌های مهم را شناسایی کنیم. چشم‌انداز اصلی این مطالعه، تمرکز بر اسارت به‌مثابه شکلی از مقاومت است، یعنی به جای تصویر رایج از اسیر به عنوان قربانی منفعل، او را به عنوان کنشگری فعال در مسیر حفظ هویت، انتقال پیام و حتی ایجاد تغییر معرفی می‌کند، از همین رو متن حاضر تلاش می‌کند روایتی جامع و تحلیلی، همراه با شواهد تاریخی و فرهنگی ارائه دهد که کاربرد آن فراتر از مطالعات جنگ و منازعه است و به حوزه‌های جامعه‌شناسی، ارتباطات و روان‌شناسی اجتماعی نیز گسترش یابد.

■ شکوه اسارت و نقش رسانه‌ای آن

اگر اوراق خونی تاریخ را ورق بزنیم، درمی‌یابیم که هر نبرد همواره در میدان درد: نخست میدان شمشیر؛ جایی که نتیجه آنی در خون و آهن رقم می‌خورد و دوم میدان روایت؛ جایی که نتیجه بلندمدت ثبت می‌شود و چه‌بسا میدان دوم سرنوشت میدان اول را هم بازنویسی کند. اینجا فاتحان سپر و شمشیر غالباً قلم را هم در دست می‌گیرند و روایتی را می‌سازند که نسل‌ها باور کنند. مغلوبان، اگر نتوانند روایت خود را حفظ کنند، حتی اگر در وجدان اخلاقی پیروز باشند، در نگاه آیندگان شکست‌خورده می‌نمایند، اما تاریخ استثناهایی دارد و یکی از روشن‌ترین آن استثناها، کاروان اسیران کر بلاست. عاشورا تنها یک روز بود، اما اسارت روزها و هفته‌ها طول کشید و در این فاصله، میدان روایت فعال‌تر از میدان جنگ شد.

اگر در روز عاشورا صدای شمشیر و فریاد بود که ندای پیام حق را بلند کرد، روزهای اسارت بود که این پیام را در کوچه‌های کوفه، در قلب دربار بزید و در وجدان تاریخ طنین‌انداز کرد. هر گامی که اسیران در زنجیر برداشتند، گاه هم مظلومیت بود، هم علمی برای حقیقت. زینب کبری(س) و امام سجاد(ع) در حالی که جسم‌شان در اسارت بود، اراده و زبان‌شان آزاد بود و از همین آزادی کوچک برای ضربه زدن به بنای تبلیغات شام بهره بردند.

خطبه‌های کوفه و شام در برابر افکار عمومی‌ای بیان شد که پیش‌تر با روایت رسمی حکومت تغذیه شده بود و همین افکار عمومی ناگهان با تضاد کامل میل شد «تصویر رسمی» و «واقعیت از زبان شاهدان» مواجه شد. آنان با خطبه‌های خود نه تنها پرده از دروغ و فریب حکومت برداشتند، بلکه روایت‌اصیل عاشورا را در بایگانی وجدان بشریت مهر و موم کردند.

پدیده‌میدان روایت محدود به عاشورا نیست. جنگ صفین نمونه‌ای از همان دو میدان است؛ جایی که معاویه با حیلۀ قرآن بر نیزه، فضای روایت را عوض کرد. در قرون بعد، جنگ‌های صلیبی در غرب به عنوان مبارزهای برای آزادسازی سرزمین مقدس

تصویر شد و در شرق به عنوان حمله‌ای اشغالگرانه و اقتصادی– هر دو تصویری که در میدان دوم ساخته شدند. در عصر جدید، جنگ ویتنام را هم می‌توان مثال زد؛ جایی که ارتش امریکا از نظر نظامی دست بالا را داشت، ولی موج روایت‌های ضدجنگی که از دل رسانه‌ها و شهادت سربازان بازگشته درآمد، نتیجه را تغییر داد با انقلاب الجزایر که با استفاده از گزارشات میدانی و عکس‌های مستند، هویت جهانی «مظلوم مقاومت‌کننده» را تثبیت کرد.

■ اسارت در عصر بی‌زنجیر

هر روز گار ما، اسارت تنها به بند کشیدن جسم خلاصه نمی‌شود؛ نوع تازه‌ای از اسارت هست که نامش «اسارت رسانه‌ای» است. این اسارت، افکار عمومی و حافظه جمعی را تحت قیمومت جریان‌هایی قرار می‌دهد که راست و دروغ را در کارگاه‌های «مهندسی روایت» ورز می‌دهند. پختن گزینشی تصاویر، قطع و وصل عمدی جریان خبر، تولید کلان‌روایت‌های هماهنگ و استفاده از الگوریتم‌های پلتفرم‌ها همگی شمشیرهای بی‌بله ولی برنده این میدان هستند.

اگر شام آن روز توانست عاشورا را تا حدودی در قالب «شورش بر نظم» بازسته‌بندی کند، امروز



هر نبرد همواره دو میدان دارد: نخست میدان شمشیر، جایی که نتیجه آنی در خون و آهن رقم می‌خورد و دوم میدان روایت؛ جایی که نتیجه بلندمدت ثبت می‌شود و چه‌بسا میدان دوم سرنوشت میدان اول را هم بازنویسی کند. اینجا افتحان سپر و شمشیر غالباً قلم را هم در دست می‌گیرند و روایتی را می‌سازند که نسل‌ها باور کنند. مغلوبان، اگر نتوانند روایت خود را حفظ کنند، حتی اگر در وجدان اخلاقی پیروز باشند، در نگاه آیندگان شکست‌خورده می‌نمایند



به بهانه سالروز ورود اولین گروه آزادگان به میهن اسلامی

سرنوشت میدان شمشیر در دست میدان روایت

باید به جای تصویر رایج از اسیر به عنوان قربانی منفعل، او را به عنوان کنشگری فعال در مسیر حفظ هویت، انتقال پیام و حتی ایجاد تغییر معرفی کنیم



هم می‌توان با چند ساعت کار رسانه‌ای، یک جنبش اعتراضی را به «آشوب مخرب» یا «دست‌ساخته بیگانه» تبدیل کرد. در قدیم، ابزار روایت محدود به سخنرانی، شعر، نامه یا نشانه‌های تصویری و انتقال روایت متکی بر حضور فیزیکی و گواهی چهره‌به‌چهره بود. امروز شبکه‌های پخش جهانی، رسانه‌های برخط و پلتفرم‌های تعاملی، میدان را از نظر گستره فراتر برده‌اند، ولی آسیب‌پذیری‌اش را هم در برابر

دستکاری و تحریف بیشتر کرده‌اند. الگوریتم‌ها به‌جای آنکه آیینۀ بی‌طرف واقعیت باشند، اولویت را به محتوای پر بازدید یا تطبیق یافته با منافع سازمان، مانع اصلی تلاش‌های تحریف‌گرانه شد. هر چند کاروان اسیران کر بلا نقطه اوج نقش اسرا در حفظ حقیقت است، اما این قاعده تنها به عاشورا محدود نمی‌شود. در بدر و حنین هم بودند اسیرانی که رخدادهای واقعی را روایت کردند و حتی برخی از آنان که در اردوگاه دشمن اسیر ماندند، با واگویه کردن حقایق، جان‌شان را به خطر انداختند. در نبرد حره شاهدانی که از مدینه به‌عنوان اسیر برده شدند، بعدها با نقل روایت‌های واقعی پرده از روی فجایع برداشتند. در جنگ‌های جهانی نیز سربازان اسیر، با وجود فشار بازجویی و شکنجه، سرنوشت حقیقی ملت‌ها را برای تاریخ به یادگار گذاشتند، گر چه در لحظات اسارت، کسی حتی تصورش را هم نمی‌کرد که آن روایت‌ها، کلید فهم ما از آن جنگ‌ها شوند. ■ **عاشورا و کاروان اسرا**

در سنت شیعی، عاشورا نه تنها واقعه‌ای مذهبی بلکه چارچوبی برای مقاومت اخلاقی و سیاسی است. خطبه‌های زینب کبری(س) در کوفه و شام، نمونه کم‌نظیری از پاسخ هم‌زمان به افکار عمومی و قدرت حاکم است: از یک سو بیان حقایق و مظلومیت واز سوی دیگر آشکار کردن تضاد ادعاهای رسمی با اصول اسلامی خود حکومت. امام سجاد(ع) نیز به‌رغم گیری از زبان دعا و مناجات، پیام را به حوزه معنوی و وجدانی مردم برد؛ جایی که کمتر امکان سانسور وجود داشت. ■ **نمونه‌های تطبیقی جهانی**

در جنگ یوسنی، تصاویری که از اردوگاه‌های اسرا منتشر شد، موج بین‌المللی را علیه عاملان

تشدید کرد، ولی در برخی دیگر از بحران‌های آفریقا که رسانه‌ها به دلایل سیاسی یا اقتصادی کم‌حجم پوشش دادند، فجایع به حاشیه رانده شدند. این مقایسه نشان می‌دهد نقش «دسترس پذیری تصویر و روایت» برای ماندگاری یک پیام تا چه اندازه تعیین‌کننده است.

■ راز ماندگاری و پیامدهای اسارت

روای باورمند همراه با نمایش واقعیت عینی، پیوند همدلانه با مخاطب می‌سازد و امکان تحریف را کاهش می‌دهد. روایت وقتی به وجدان جهانی برسد، به فشار دیپلماتیک، تغییر قوانین یا بسیج افکار عمومی می‌انجامد. همان‌طور که افشاگری کاروان اسرا به ریزش مشروعیت حکومت اموی منجر شد، روایتگری صادقانه امروز نیز می‌تواند پایه‌های مشروعیت حکومت‌ها یا جنبش‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. ■ **ابزارهای پژوهش، هنر و آموزش**

توسعه روایت نیازمند سه رکن مکمل است: پژوهش، هنر و آموزش. پژوهشگران باید با بررسی همه منابع – حتی منابع خصمانه– تصویری کامل بیابند. هنرمندان می‌توانند با تصویر، استعاره یا صحنه‌آرایی بخش‌های غیرقابل بیان، را منتقل کنند و آموزش، بستر پرورش نسل‌هایی است که مهارت تشخیص روایت تحریف‌شده را روایت اصیل را دارند. تجربه موفق استفاده از فیلم‌های مستند در باره نسل‌کشی‌ها یا برپایی نمایشگاه‌های تعاملی، نشان می‌دهد چگونه یک روایت می‌تواند دهه‌ها زنده بماند.

■ فناوری و روش‌های نوین

امروز ابزارهایی مانند واقعیت افزوده می‌توانند صحنه‌های تاریخی را بازسازی کنند و مخاطب را به قلب ماجرا ببرند. آرشوهای ویجیتال باز، دسترسی آزاد به منابع را برای پژوهشگران سراسر جهان فراهم می‌کند، پلتفرم‌های مشارکتی روایت نیز فرصتی می‌دهند که صدای شاهدان ناشناس از نقاط دور هم شنیده شود.

■ چراغی در کوچه‌های تاریخ«بُعد اخلاقی

ارزش‌هایی چون صداقت، عدالت، صبر و شجاعت در روایت اسارت به روشنی دیده می‌شوند.

این ارزش‌ها مرز میان «خبر» و «الهام» را شکل می‌دهند. خبر ممکن است فراموش شود، اما الهام باقی می‌ماند. روایت‌هایی که بعد انسانی پرزنگی دارند، بیش از دیگران می‌توانند به تغییرات واقعی در رفتار جمعی منجر شوند.

■ نتیجه‌گیری و چشم‌انداز

از کر بلا تا جنگ تحمیلی هشت ساله، اسارت نه پایان مبارزه که آغاز مر حله تازه‌ای از مقاومت بود؛ مر حله‌ای که در آن، شمشیر و سلاح کنار نهاده و زبان و قلم و حتی نگاه و سکوت اسیر، به سلاحی برنده تبدیل شدند. بی‌حضور این اسرا، نسل‌های بعد تنها با نسخه‌های بازسازی شده و سانسور شده از تاریخ روبه‌رو خواهند شد؛ نسخه‌ای که دشمن با دقت برای شکل دادن به ذهن و سبک زندگی آینده آنها پیچیده‌است. اسارت عاشورا نشان داد یک پیام می‌تواند حتی در موقعیت‌ظاهرا شکست، از طریق روایت معتبر و مستمر، به پیروزی اخلاقی و تاریخی برسد. آینده هم مستثنی نیست، هر چا روایت‌اصیل در کنار شجاعت راوی باشد، میدان روایت می‌تواند حتی بعد از باخت نظامی پیروز شود.

برای مواجهه با فریب دشمن، باید سرمایه‌گذاری در زمینه رسانه‌های مستقل، آموزش مهارت‌های روایتگری و ایجاد شبکه‌های بین‌المللی روایت‌کنندگان حقیقت انجام گیرد. اگر چنین شود، پرچم حقیقت – حتی در میان زنجیر و بند– همواره افراشته باقی خواهد ماند.

		۳	۶	۱		۵	
						۱	۸
			۹	۴			
					۵	۸	
			۷	۳	۲		
			۴	۳	۹		
					۲	۵	
					۶	۱	۳

۵	۸	۱	۴	۷	۲	۳	۶	۹
۷	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۸	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۹	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۰	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۱	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۲	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۳	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۴	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۲۳۸۲

جدول سودوکو

ارقام ۱تا۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف،ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک‌بار به کارورند.

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۲۳۸۲

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

از بالا به پایین

۱- بز شک قدیمی- حشره مزاحم خانگی
۲- سیاره ناهید- اثر چربی- گیاهی با کاربرد فراوان در آشپزی
خمیدگی
۳- ضمیر اشاره- نزدیک- صحبت خدمانی- تاز-پانه- تنگ و عیب
۴- راه ناتمام- درخت زبان گنجشک- بوی خوش
مثلت ماننددی در مصب رود
۵- شکم بند- خط کش مهندسی- تخم- گیاه- هر برش هندوانه
۶- رشته کوه اروپا- موکل- شهری زیارتی
۷- آتش- پول- زاین- سمت و طرف- بیبک و قاصد
۸- مرتب شده- دستگاه گوارش در بدن
جامه جنگی
۹- گریز- فرار- افشای راز- شکستن سر- شهر نیما
۱۰- قورباغه- بانگ نماز- شستن و بستن زخم
۱۱- تخمین- قایق- چله کمان
۱۲- موکت- بر- پایتخت- لهستان- حرف انتخاب- همه و تمام
۱۳- غزال- کوتاهی‌کننده- گذرگاه- رود- افسوس
۱۴- لخت- قطعه‌ای در رایانه- اجاق برقی- فضاپیما
۱۵- به از هیچی است- افشرده